چگونگی حج و عمره

و زیارت با دعا

**تهیه و تنظیم:**

**دفتر علمى بنياد هديه به حجاج**

**ترجمه:**

 **إسحاق دبيرى**/

**چاپ و نشر**

**وزارت شؤون اسلامى و اوقاف و دعوت و ارشاد**

**عربستان سعودى**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | چگونگی حج و عمره و زیارت با دعا |
| **تهیه و تنظیم:** | دفتر علمی بنیادهدیه به حجاج |
| **ترجمه:** | إسحاق دبیری/ |
| **موضوع:** | فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc435014364)

[مقدمه 1](#_Toc435014365)

[فضیلت حج و عمره 3](#_Toc435014366)

[حكم حج و عمره 5](#_Toc435014367)

[شروط قبول حج: 5](#_Toc435014368)

[أنواع نسک‌ها 9](#_Toc435014369)

[نسک اول: تمتع: 9](#_Toc435014370)

[نسک دوم: قران: 10](#_Toc435014371)

[نسک سوم: إفراد. 10](#_Toc435014372)

[میقات گاه‌ها چنین هستند 13](#_Toc435014373)

[ذو الحليفه: 13](#_Toc435014374)

[الجحفه: 13](#_Toc435014375)

[قرن المنازل: 13](#_Toc435014376)

[يلملم: 14](#_Toc435014377)

[ذات عرق: 14](#_Toc435014378)

[اعمالی كه حاج و معتمر در میقات انجام می‌دهد 15](#_Toc435014379)

[محظورات احرام 17](#_Toc435014380)

[دخول مكه و مسجد الحرام 21](#_Toc435014381)

[طواف عمره 23](#_Toc435014382)

[بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای طواف 27](#_Toc435014383)

[سعی عمره 28](#_Toc435014384)

[آخرين اعمال عمره 30](#_Toc435014385)

[اعمال حاج در روز ترويه (8 ذی حجه) 31](#_Toc435014386)

[اعمال روز عرفه (9) ذی حجه 32](#_Toc435014387)

[اشتباهاتی كه در روز عرفه رخ می‌دهد 33](#_Toc435014388)

[ماندن شب در مزدلفه: 37](#_Toc435014389)

[اعمال روز 10 ذی حجه (روز عید) 39](#_Toc435014390)

[اعمالی كه حاج در روزهای تشریق انجام می‌دهد 45](#_Toc435014391)

[طواف وداع 47](#_Toc435014392)

[زیارت مسجد رسول الله**ص** 49](#_Toc435014393)

[ادعیۀ ثابت از قرآن و سنت رسول الله**ص** 57](#_Toc435014394)

مقدمه

الحمدلله رب العالـمین، الحمدلله حمداً كثیراً طیباً مباركاً فیه، الحمدلله جعل البیت الحرام مثابة للناس وأمناً، تهفو إلیه قلوب عباده الـمؤمنین، والصلاة والسلام علی الحبیب الـمصطفی خیرِ من حج البیت واعتمر، الـمبعوثِ رحمة للعالـمین، أدی الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد في الله حق جهاده، أرسله الله بالإسلام، یهدی به العباد ویخرجُهم من ظلمات الكفر والشرك، إلی شمس الإسلام وسراجه الـمنیر.

قال الله تعالی: ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٢﴾ [الشوری: 52].

«و همچنین (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به تو وحی کردیم. نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست. ولی آن (وحی) را نوری گردانده‌ایم، با آن هرکس از بندگانمان را که بخواهیم هدایت می‌کنیم. و بی‌گمان تو به راه راست هدایت می‌کنی».

خدایا! سپاس برای تو است که دین را شرع نمودی، و سپاس برای تو است که فرمان دادی، و سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و سرنوشت نمودی.

برادر مسلمان!

مکۀ مکرّمه بهترین زمین و محبوب‌ترین جا نزد خداست، در آن مسجد الحرام و کعبه مشرفه وجود دارد که خدا آن را قبله مسلمانان قرار داده‌است، و تمامی مردم در هر شبانه روز پنج بار برای اطاعت از خدا و اجابت ندای حق بسوی آن رو می‌کنند، مکه مهد انبیاء و مقام پدرمان إبراهیم÷ و مبعث پیامبرمان محمدص است.

تو ای برادر هنگامی که در کشور خود بودی، و به سوی مکۀ مکرّمه و کعبه مشرفه نماز می‌خواندی، و مردم را می‌دیدی که در حرم نماز می‌خوانند، و از خدا می‌خواستی که تو نیز یکی از آن مردمی باشی که در حرم هستند، چنان که آنان دور کعبه طواف می‌کنند، تو نیز طواف کنی، و نماز بخوانی چنان که آن‌ها نماز میخوانند، و آب زمزم بنوشی، و سعی بین صفا و مروه بکنی، و خدا را در بهترین مکان عبادت کنی.

ای برادر مسلمان! خدا را دعا کردی تا حج و عمره را برایت میسر گردانید، و دعایت را اجابت کرد، و آسان گردانید، و خـواستـه‌ات را برآورده کرد، پس خدا را سپاس، تو در حال حاضر راهی خانه خدا هستی، و ای برادر حق تو بر ما این است که تو را در این سفر همراهی کنیم، و از آغاز سفر خود به بلد الحـرام، تا رجوع بـه سـوی خـانواده ات با سـلامتی و اجر و پاداشی فراوان، چگونگی حج و عمره را برایت بیان کنیم.

فضیلت حج و عمره

حج و عمره برای کسی که نیت خود را برای خدا خالص کند، و اعمال آن را بطوری که در قرآن و سنت شریف آمده انجام دهد، فضیلت بسیار بزرگی را دارد.

أبو هریرهس از رسول اللهص روایت می‌کند: «مَنْ أَتَى هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»[[1]](#footnote-1).

«هر کس به زیارت این خانه(کعبه) بیاید، و با زن خود نزدیکی نکند، و مرتکب معصیت و گناهی نشود، چنان از گناهانش پاک می‌شود، که گوئی تازه از مادرش متولد شده است».

یعنی چنان رجوع می‌کند مانند کودکی که هیچ گناهی انجام نداده است.

أبو هریرهس از رسول اللهص روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «الْعُمْرَةُ إلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إلَّا الْجَنَّةَ»[[2]](#footnote-2).

«عمره تا عمرۀ دیگر کفارۀ گناهانی است که بین آن انجام می‌شود، هیچ جزا و پاداشی برای حج مبرور جز بهشت نیست».

صفت حج مبرور برادر مسلمان چنین است که هیچ ریا، سمعتی، گناه و معصیتی در آن نباشد، و آن را بر وجه کامل چنانکه خدا و رسول خداص امر کرده‌اند انجام داده باشد.

حكم حج و عمره

حج رکن پنجم از ارکان اسلام است، و تمامی أمت اسلام از عصر نبوت بر وجوب حج اقرار دارند و آن هم بر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد که استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [آل عمران: 97].

«و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هر کس (حج خانۀ خدا را بجای نیاورد، یا اصلاً حج را نپذیرد، و بدینوسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانیده نه به خدا) چه خداوند از همۀ جهانیان بی‌نیاز است».

اما عمره ـ ای برادر مسلمان ـ در قول صحیح از اقوال علماء فقط یکبار در عمر واجب است، حال اینکه این عمره با حج باشد، یا اینکه تنها انجام شود، یعنی در غیر وقت حج، در هر وقت از سال، و بر مسلمان بالغ و عاقل که توشه و راه رسیدن به مکه داشته باشد، واجب است.

شروط قبول حج:

برادر مسلمان! حج و عمره عبادتی برای خدای عـزوجل است، و هـر عبادت کوچـک یا بزرگ قبول نمی‌شود مگر با دو شرط مهم، تا اینکه خشنودی خدا و بهشت را کسب نمائی.

شرط اول: اینکه عبادت خالصاً برای رضا و خشنودی خدا باشد، هیچ کس از مخلوقات خدا را در آن شریک قرار ندهد.

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشِّرْكِ مَنْ عَمِلَ عَمَلاً أَشْرَكَ فِيهِ مَعِى غَيْرِى تَرَكْتُهُ وَشِرْكَهُ»[[3]](#footnote-3).

«من از کسانی‌که برایم شریک قائل می‌شوند بی‌نیازترین شریکان هستم، هرکس عملی انجام دهد و با من کسی دیگر را شریک قرار دارد، او و شرکش را ترک خواهم کرد».

یعنی خدا از بنده‌اش عملی را که در نیت آن کسی را شریک قرار داده، قبول نمیکند، و من جمله به جای آوردن حج یا عمره برای اینکه مردم ببینند یا بشنوند (قصدش شهرت باشد)، چون که همه این‌ها اعمال را نابود می‌کند، پس ای برادر از این برحذر باش.

شرط دوم: پیروی کردن از پیامبرص.

هر عبادتی که خدا به آن امر فرموده آن حضرتص صفت و چگونگی آن را به ما می‌آموزد، و آن را در کتاب خدا و سنت پیامبرص می‌بینیم.

و هیچ عبادتی نیست مگر اینکه صفت خاصی دارد، مثلاً نماز صفتِ خاصی دارد، و همچنین زکات، روزۀ رمضان، حج و سایر عبادت‌ها ویژگی خاصی دارند.

و رسول اللهص مناسک حج را أدا می‌کردند، و می‌فرمودند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»[[4]](#footnote-4). «از من مناسک و راهنمای حج خود را بیاموزید».

یعنی بنگرید من در اعمال حج و عمره چه می‌کنم، شما هم به من تأسی و اقتدا کنید.

و از هر چیزی بطور اضافی در دین بر حذر میداشتند، چنانکه فرمودند: «مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»[[5]](#footnote-5).

«هرکس عملی انجام دهد که امر و فرمان ما بر آن نیست، آن عبادت مردود است».

یعنی هر عبادتی که بر آئین خدا و رسول خداص نباشد، آن عبادت مردود و غیر قابل قبول است.

ای برادر مسلمان! این دو شرط را در تمامی عبادت‌ها مد نظر داشته باش، و در حج و عمره بدان که مهمترین چیزی که بر تو واجب است، این است که متأکد شوی آیا آن را با اخلاص انجام داده‌ای؟ آیا حج و عمره را چنانکه خدا و رسولشص امر کرده‌اند انجام داده‌ای؟

خدایا! تمامی اعمال ما را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار بده.

خـدایـا! ما در آن هیچ ریـا و سمعتی نمی‌خواهیم، و آن را چنانکه تو و رسولت امر کرده اید انجام می‌دهیم، آمین.

ای برادر مسلمان! اگر عزم سفر بسوی خانه خدا برای ادای حج کردی، توشه و نفقۀ خود را از مال پاک و حلال قرار ده، و با دوستان خوب و صالح و نیک که تو را بر طاعت و فرمان خدا کمک می‌کنند، سفر کن، و احکام خـاص بـه حـج را بیاموز، تا در اشتباهاتی که حج ات را فاسد کند نیفتی، و اگر به اشتباه و اشکالی برخورد کردی از علماء سؤال کن، چنان که رســول اللهص فرمودند: که علما وارثان انبیاء هستند[[6]](#footnote-6).

برادر! یادآوری می‌کنیم که در داخل مسجد الحرام و مشاعر مقدسه دفترهایی ویژۀ فتوا و ارشاد اسلامی و تلفن‌هایی ویژۀ زنان وجود دارد که هنگام سؤال و اشکال و اشتباهات در مورد حج و عمره و مسایل شرعی می‌توان با آن‌ها تماس گرفت، خداوند پاداش خیر به قائمین بر آن‌ها بدهد.

بر زنان واجب است که با کسانیکه محرم او هستند سفر کنند مانند: پدر، برادر، پسر، شوهر، و مانند این‌ها، و اگر تنها و بدون محرم سفر کند، حج او صحیح، ولی گناه‌کار است.

و الآن ما و شما در رحاب و وسعت(فراخی) این دین عظیم، و احکام عبادتی از عبادات بزرگ داخل میشویم، پـس با تـو سـفر بسوی بهترین مکان را در زمـین شـروع می‌کنیم، زمینی که خدا در آن برکت فرستاده، و آن را أمن و أمان قرار داده است، و کسانیکه در آن هستند ایمن می‌باشند، بسوی بیت الله الحرام.

أنواع نسک‌ها[[7]](#footnote-7)

برادر مسلمان! برای حج سه نسک است که حاج یکی از آن‌ها را اختیار می‌کند، و هر کدام را که انجام دهد حج او صحیح است، و نسک‌ها چنین می‌باشد:

نسک اول: تمتع:

حاج برای عمره در یکی از ماه‌های حج احرام میبندد، و ماه‌های حج عبارتند از: شوال، ذی قعده، ده روز از اول ذی حجه، و می‌گوید: لبیک عمره، سپس اعمال عمره را بطور کامل انجام می‌دهد، و هرگاه طواف و سعی انجام داد و سر را تراشید یا کوتاه کرد عمره او بپایان رسیده و همه چیز که قبل از احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌گردد.

سپس روز هشتم ذوالحجه از جای سکونت خود فقط برای حج، احرام می‌بندد، و می‌گوید: لبیک حجاً، و بر متمتع یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو هدی[[8]](#footnote-8) واجب است، اگر پیدا نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

بنابر صحیح‌ترین اقوال علماء، حج تمتع بهترینِ سه نسک بشمار میرود، آن هم برای کسیکه قربانی با خود همراه ندارد، زیرا پیامبرص بعد از اینکه بین صفا و مروه سعی نمودند فرمودند: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَيْسَ مَعَهُ هَدْىٌ فَلْيَحِلَّ وَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً»[[9]](#footnote-9).

«هرکس از شما با خود هدی همراه ندارد از احرام بیرون بیاید و آن را به عمره تبدیل کند».

چون حاج در سفر خود حج و عمره را با هم جمع کرده است.

نسک دوم: قران:

حاج برای انجام حج و عمره با همدیگر در ماه‌های حج در میقاتگاه نیت کرده، می‌گوید: «لبيك عمرة وحجاً»، و وقتی به مکه رسید طواف عمره کرده و برای حج و عمره فقط یک سعی می‌کند، و اگر خواست سعی حج را به بعد از طواف افاضه بتأخیر می‌اندازد، سپس بر احرام خود باقی مانده سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کند تا اینکه روز هشتم ذوالحجه به منی رفته و باقی نسک خود را به پایان می‌رساند.

و قارن مانند متمتع هدی بر او واجب است، و اگر هدی پیدا نکرد (یا نتوانست) سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

نسک سوم: إفراد.

حاج فقط برای حج در ماه‌های حج نیت کرده و احرام می‌بندد و می‌گوید: «لبيك حجاً»، و شخص مفرد عمل قارن را انجام می‌دهد جز اینکه قارن بر او هدی واجب است، ولی مفرد چنین نیست چون مانند متمتع و قارن بین حج و عمره با هم جمع نکرده است.

و حاج بین سه نسک گذشته مخیر است، ولی برای کسیکه با خود هدی همراه ندارد حج متمتع بهتر است، چنانکه قبلاً ذکر شد.

برادر مسلمان! اگر بسوی خانه خدا، بیت الله الحرام، متوجه شدی، و قصد انجام حج و عمره را داشتی اولین چیزی که باید انجام دهی؛ نیت کردن از میقات است. آن هم نیت دخول به حج یا عمره.

و هرکس بخواهد به مکه برود و قصد حج یا عمره دارد باید از میقات نیت کند.

میقات جاهای معلومی است که رسول اللهص برای کسانی که از تمامی نقاط زمین قصد زیارت خانه خدا را دارند تعیین کرده است، و قبل از رسیدن به بیت الله الحرام از آنجا نیت می‌کنند.

میقات گاه‌ها چنین هستند

ذو الحليفه:

میقات اهل مدینه، و کسانی که از آن راه به مکه می‌روند، تا مسجد النبوی (13) کیلومتر فاصله دارد، وآن دورترین میقات از مکه می‌باشد، که تا مکه (420) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر آن را أبیار علیس می‌نامند.

الجحفه:

قریه‌ای نزدیک به شهر رابغ است، در حال حاضر مردم از رابغ نیت می‌کنند، چون کمی قبل از جحفه میباشد، و تا مکه (280) کیلومتر فاصله دارد، و آن هم میقات اهل شام و مصر و شهرهای شمالی عربستان سعودی، و کشورهای آفریقای شمالی و غربی، و کسانیکه از آن راه بروند می‌باشد.

قرن المنازل:

آن را سیل الکبیر می‌نامند، و تا مکه (78) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل نجد، تمامی اهالی شرق عربستان(شیخ نشینان خلیج)، عراق، ایران، و کسانی است که از آن راه می‌روند، و در حال حاضر مقابل و برابر آن (وادی محرم) که در جاده (الهدا) غربی شهر طائف، که تا مکه (75) کیلومتر فاصله دارد، میقات اهل طائف، و کسانی است که از آن راه می‌روند و در حقیقت میقات مستقلی نیست.

يلملم:

در حال حاضر (السعدیه) نام دارد، و تا مکه (120) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه می‌روند.

ذات عرق:

میقات اهل عراق و ساکنان مشرق عربستان است، در حال حاضر بسبب عدم وجود راه بسوی آن مهجور می‌باشد، وتا مکه(100) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر مردم از سیل کبیر، و یا از ذو الحلیفه نیت (احرام) می‌بندند.

اما ساکنان مکه برای ادای حج از خانه‌های‌شان، و برای عمره از تنعیم[[10]](#footnote-10)، یا هر جایی خارج از حدود حرم نیت می‌کنند.

هرکس قبل از این میقات‌ها سکونت داشته باشد، مانند: ساکنان شهر جده، بحره، شرائع، و غیر از این‌ها، برای حج و عمره از خانه‌هایشان نیت می‌کنند.

بر هر مسلمانی که قصد حج دارد و بر این میقات‌ها عبور می‌کند واجب است که از آنجا احرام و نیت ببندد، و اگر از آن عبور کرد و قصد حج را داشت و نیت نکرد، واجب است که به آن میقات برگشته و نیت کند، اگر اینکار را نکرد، فدیه بر او واجب می‌شود، و آن گوسفندی است که باید در مکه ذبح شود و بین فقرای حرم توزیع گردد، و هرکس در حالت فراموشی و یا در حال خواب از میقات عبور کرده و نیت نکرد، هرگاه به یادش آمد واجب است که به میقات برگردد، و اگر این کار را نکند - چنانکه گذشت - بر او فدیه واجب است.

اعمالی كه حاج و معتمر در میقات انجام می‌دهد

برادر مسلمان! هرگاه از راه ماشین و غیره به میقات رسیدی، سنت است که غسل کرده، تمامی بدن خود را معطر، و اگر میسر شد ناخن‌های خود را کوتاه کن، سپس لباس احرام بپوش (دو عدد ازار و رداء سفید و بهتر است که نو، و یا نظیف و پاک باشد).

واجب است که لباس احرام بدون عطر و بوی خوش باشد در غیر این صورت باید عطر و بوی خوش آن شسته شود.

زن لباس معین و سنتی ندارد، بلکه هر لباسی که خواست می‌پوشد، لکن لباسی محتشم (بدون زینت) می‌پوشد، و از اسباب فتنه خودداری می‌کند، و زن اگر بر مردان (غیر محرم) عبور می‌کند عطر و بو خوشی استعمال نمی‌کند.

برادر مسلمان! مستحب است که بستن احرام و نیت، بعد از یکی از نمازهای فریضه باشد، و اگر در غیر وقت نماز فریضه بود، دو رکعت نماز سنت وضوء را ادا می‌کنی.

اگر از تمامی این‌ها فارغ شدی نیت کرده و می‌گوئی: «لبيك عمرة»، اگر متمتع باشی، و یا می گویی «لبيك عمرة وحجاً»، اگر قارن باشی، و یا می‌گویی: «لبيك حجاً» اگر مفرد باشی، سپس تلبیه می‌گوئی چنانکه رسول اللهص گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لاَ شَرِيكَ لَكَ»[[11]](#footnote-11).

«گوش بفرمانم، ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، گوش بفرمانم، همانا ستایش و نعمت و سلطنت از آن تو است و تو شریکی نداری».

ای برادر مسلمان! اگر قدوم تو از طریق دریا، و یا هواپیما بیایی، معمولاً خلبان و ناخدا هنگام نزدیک شدن به میقات مردم را آگاه می‌کند، تا برای بستن احرام و نیت کردن آماده شوند، و هرگاه به مقابل میقات رسیدند نیت حج می‌کنند، چنان که قبلاً ذکر کردیم.

و هیچ اشکالی ندارد که در این حال قبل از خارج شدن از خانه لباس احرام پوشیده شود، و به هواپیما و یا کشتی سوار شوید، و هرگاه به مقابل میقات رسیدید نیت دخول به نسک کرده و تلبیه بگوئید.

و باید حاج بسیار تلبیه بگوید، و صدای خود را با گفتن آن بلند کند، ولی زن صدای خود را بلند نمی‌کند، بلکه با خود تلبیه می‌گوید، به اندازه‌ای که خود و اطرافیان خود بشنوند، و همچنان تلبیه می‌گوید تا اینکه طواف عمره را شروع نماید. و برای حاج تا اینکه جمرة العقبة را در روز عید رمی کند.

محظورات احرام

برادر حاج! داخل شدن تو در منسک حج و عمره چیزهائی بر تو حـرام می‌گرداند که آن را محظورات احرام می‌نماند، که عبارتند از:

1. از بین بردن مو با تراشیدن و یا غیره، کوتاه کردن ناخن‌های دست و پا، و اگر محرم احتیاج داشت جایز است سر خود را بخاراند، و اگر موئی بدون قصد یا بطور فراموشی و یا بطور نادانی از سرش افتاد، چیزی بر او واجب نیست.
2. عطر در لباس و یا در بدن و غیره استعمال نمی‌کند، اما عطری که قبل از نیت در بدن و سر خود استعمال کرده بود، ماندن آن بعد از احرام اشکالی ندارد.
3. محرم با زن خود نزدیکی و همبستر نمی‌شود، و با شهوت مباشرت نمی‌کند، و او را بوسه نمی‌دهد، و با شهوت به او نمی‌نگرد، و محرم خواستگاری نمی‌کند، و عقد نکاح چه برای خود و چه برای دیگران انجام نمی‌دهد، تا هنگامیکه محرم است.
4. محرم دستکش نمی‌پوشد.
5. محرم از کشتن حیوان یا أذیت و کمک به صید چیزی منع شده است، مانند: خرگوش، کبوتر و اگر صید داخل حدود حرم باشد بر همه کس چه محرم یا غیر محرم حرام است.
6. بر مرد پوشیدن قمیص(جامه) یا هرگونه دوختنی بر تمامی جسم، و یا بر بعضی از آن حرام است، مانند: زیر شلوار، پیراهن داخلی، عمامه، کلاه، و موزه، ولی اگر کسی احرامی ندارد، یا فراموش کرده بود و در هواپیما بود، هر لباسی را بصورت ازار بپوشد، و اگر پیدا نکرد زیر شلوار می‌پوشد، و همچنین اگر نعلین پیدا نکرد، موزه(خف) می‌پوشد، و إن شاء الله هیچ اشکالی در آن نیست.

و محرم می‌تواند هر نعالی که احتیاج داشته باشد بپوشد، و همچنین ساعت مچی، انگشتر، عینک، گوشی و کمربندی که پول و چیزهای دیگر در آن نگه می‌دارد اشکالی ندارد.

1. بر مرد محرم پوشیدن سر با چیزی که به آن چسپیده باشد مانند احرامی، و عمامه و غتره (دستمال)، و کلاه حرام است.

ولی اگر چتر، یا خیمه، یا سقف ماشین، یا امتعۀ خود را بر بالای سر حمل کند، اشکالی ندارد، و اگر محرم سر خود را از روی فراموشی و یا جاهلانه پوشید، در حال تذکر باید آن را از سر بردارد، و هیچ چیزی بر او واجب نمی‌شود.

1. بر زن محرم حرام است که دستکش بپوشد، و چهره خود را با نقاب(روبند) پوشیده و چشمهایش را باز کند، همه این‌ها در وقت احرام حرام است، بلکه بر زن واجب است که صورت خود را با روپوش شرعی(اسلامی) در حال عبور بر مردها، یا عبور مردها بر او در تمامی حالت‌ها؛ چه در حالت احرام و چه در غیر آن، بپوشاند.

کندن و بریدن درختان و گیاهان(کاشته نشده) حرم بر محرم و غیر محرم حرام است، و هر چیزی که در حرم پیدا شود نباید برداشت مگر برای معرفی کردن آن.

برادر ممکن است احتیاج به تغییر لباس احرام و یا پاک کردن آن، و یا شستن سر و بدن خود داشته باشی، هیچ اشکالی در این‌ها نیست، اگر هم موئی بدون عمد افتاد بر تو چیزی واجب نمی‌شود.

حاج گرامی! هنگام داخل شدن در نسک بر تو واجب می‌شود که از گناهان دوری کنی، و ذکر خدا و تلبیه را بسیار بگوئی، و از غیبت و عیب جوئی، و سخن چینی، و دعوا که بسیـار میـان بعضی از مـردم رخ می‌دهد - خدا آن‌ها را هدایت کند - و حج و عمره را فاسد می‌کند برحذر باش.

همچنین بر تو واجب است که چشمان خویش را فرو گیری، و گوش خویش را از شنیدن حرام نگه داری، و به سوی خدای خود توجه کنی، و تلبیه را ادامه داده و ذکر و یاد خدا کرده و قرآن تلاوت نمایی، فقط به عبادت و ذکر خدا مشغول باش، از خدا برای تو خواهان قبول و یاری هستیم، و از خدا بهترین اعمال و بهترین حاجات خواهانیم.

دخول مكه و مسجد الحرام

برادر مسلمان! رسول اللهص وقتی به مکه مکرمه رسیدند غسل نمودند[[12]](#footnote-12). پس هنگام رسیدن به مکۀ مکرمه غسل نمودن سنت است، و نزدیک حرم اماکن بسیاری برای وضوء و غسل آماده شده است، از خدا خواهانیم اجر کسیکه به این اماکن امر کرده تا برای میهمانان خانه خدا آماده شود در ترازوی اعمال نیک او قرار دهد.

بعد از آن برای انجام ادای عمره به مسجد الحرام رفته به سوی کعبه متوجه می‌شوی در حالیکه تلبیه می‌گوئی.

در حال دخول به مسجد الحرام پای راست خود را جلو گذاشته و می‌گوئی: «بسم الله والصلاة[[13]](#footnote-13) وَالسَّلَام عَلَى رَسُول اللَّه اللَّهُمَّ افْتَحْ لِى أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ[[14]](#footnote-14) أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»[[15]](#footnote-15).

«به نام خدا و درود و سلام بر رسول اللهص، الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا، به خداوند بزرگ و وجه و روی گرامی، و قدرت قدیم و و ازلی او، از بدی شیطان رانده شده پناه می‌برم»

و این دعا در هنگام دخول همۀ مساجد گفته می‌شود.

سپس بسوی کعبه رفته تا طواف عمره را شروع کنی، و واجب است که با وضوء باشی، و بر مرد سنت است که احرام خود را بطور (اضطباع)[[16]](#footnote-16) تا آخر طواف بپوشد، یعنی وسط رادء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد.

و تلبیه با شروع به طواف قطع می‌شود.

طواف عمره

توصیف طواف عمره: به حجر الأسود آمده و با دست راست آن را گرفته بوسه دهد، و اگر استلام[[17]](#footnote-17) آن میسر نشد با دست راست بسوی آن اشاره کرده و لازم نیست دست خود را بوسید، و می‌گوید: الله أکبر[[18]](#footnote-18)، اگر بگوید بسم الله، والله أکبر بهتر است[[19]](#footnote-19)، و در آغاز طواف گفتن این دعا مستحب است: «اللَّهُمَّ إِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍص»[[20]](#footnote-20).

«بار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو (قرآن)، و وفا نمودن به عهد و پیمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو محمدص شروع می‌کنم».

برای عمره کننده بهتر این است که مزاحم مردم نشود، و آن‌ها را هُل ندهد، و آن‌ها را کتک نزد و دشنام ندهد و آزار و اذیت نکند، چون این‌ها اشتباهاتی است که با آن هیبت و عظمت عبادت از بین میرود.

سپس طواف را هفت شوط[[21]](#footnote-21) از نزد حجر الأسود شروع کرده، کعبه را بر دست چپ خود قرار دهد، استغفار کنان و دعا کنان به هرچه بخواهد، و یا تلاوت قرآن، همه این‌ها بدون بلند کردن صدا باشد، نه چنانچه بعضی از مردم آن را انجام می‌دهند و صدای خود را بلند می‌کنند، چون این باعث تشویش برادران دیگر می‌شود.

اگر به رکن الیمانی رسیدی و گرفتن آن میسر شد، با دست راست آن را بگیر، ولی آن را نبوس و به آن مسح مکن، چنانچه بعضی مردم انجام می‌دهند، چون این از رسول اللهص وارد نشده است، و اینرا در هر شوط از طواف انجام میدهی، و اگر گرفتن رکن الیمانی میسر نشد بدون اشاره و بدون گفتن تکبیر عبور کن.

سنت است که بین رکن الیمانی و حجر الأسود این دعا را بگوئی: ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201].

«پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ، نجات ده».

و همچنین هفت دور را با شروع از حجر الأسود و با انتهای به آن انجام دهد، و با عبور به حجر الأسود آن را گرفته و می‌بوسد، و می‌گوید: الله أکبر، و اگر گرفتن و بوسیدن آن میسر نشد، وقتی به مقابل آن رسید با دست راست به آن اشاره کرده و یکبار تکبیر می‌گوید.

در سه شوط اول طواف قدوم کمی تندتر راه برود، که آن را الرمل[[22]](#footnote-22) گویند،، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد، چون سنت است.

برادر مسلمان! اگر طواف را به پایان بردی، شانه‌ات را بپوشان، و سنت است که اگر میسر شد دو رکعت نماز به صورت کوتاه، در پشت مقام ابراهیم ادا کنی، و اگر بسبب ازدحام پشت مقام ابراهیم میسر نشد، در هر جا از حرم آن را ادا کن، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره کافرون﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾ خوانده می‌شود، و اگر غیر از این دو سوره خوانده شد اشکالی ندارد.

بدان که رسول اللهص هنگام پایان بردن طواف به چاه زمزم رفته و از آن نوشیدند، پس مستحب است هرگاه از طواف فراغت یافتی به چاه زمزم رفته و از آب آن بنوشی، یا از کلمن‌های مخصوص آب زمزم بنوشی.

و اگر میسر شد به حجر الأسود برگشته و آن را استلام کنی، و اگر جمعیت زیاد باشد، باید آن را ترک کرد.

بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای طواف

بعضی از حجاج هنگام طواف اشتباهاتی انجام می‌دهند که باید از آن برحذر بود:

بعضی از طواف کنندگان به داخل حجر اسماعیل÷ رفته، ولی قول صحیح این است که طواف داخل حجر اسماعیل÷ باطل است، و هرکس اینرا انجام داد باید به اندازه هر شوط آن را اعاده کند، چون حجر اسماعیل÷ جزوی از کعبه است، ومسلمان مأمور است تا دور کعبه را طواف کند نه داخل آن را.

بعضی از طواف کنندگان نه تنها تمامی ارکان و نبش کعبه، بلکه به تمامی دیوارهای کعبه، و مقام ابراهیم÷ دست کشیده و مسح می‌کنند، و رسول اللهص غیر از حجر الأسود و رکن الیمانی چیز دیگری را استلام نکردند.

بعضی‌ها در اثنای طواف صدای خود را بلند می‌کنند، و مزاحم برادران دیگران می‌شوند، و همچنین برای بوسیدن حجر الأسود و نماز خواندن پشت مقام ابراهیم، و در بعضی وقت‌ها برای بوسیدن آن دعوا و مخاصمه می‌شود، و این درست نیست، و میان زنان و مردان اختلاط بوجود میآید، و این فتنه و اذیت مسلمانان است، و زدن و دشنام به دیگران جایز نیست، و باید اخلاق انسان در مقابل اشتباهات دیگران و اساءت آنان در این جا گذشت و بخشش باشد.

بعضی‌ها برای هـر شوط دعای ویژه‌ای از کتاب‌های خاصی می‌خوانند، که این یک نوع بدعت بشمار میرود، و از رسول اللهص هیچ دعائی بجز ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201]. که بین رکن الیمانی و حجر الأسود گفته می‌شود، چیز دیگری وارد نشده است.

و از پیروی رسول اکرمص این است که هیچ دعای خاصی در شوط اول تا شوط هفتم نخوانی، و در آخر این کتاب چند دعای برگزیده از قرآن کریم و سنت پیامبرص آورده ایم تا با آن‌ها دعا کنی و تو را از خواندن دعاهای دیگر بی‌نیاز می‌کند.

سعی عمره

ای برادر! سپس به سوی صفا و مروه متوجه میشوی، و آن هم دو کوهی است که هاجر همسر إبراهیم÷ هنگامی که تشنگی بر پسرش اسماعیل÷ شدت گرفت بر آن بالا رفت تا دنبال آبی بگردد، و از صفا پائین آمده و کمی راه رفته سپس کمی دویده، سپس باز راه رفته تا اینکه به کوه مروه می‌رسید، و از آن بالا می‌رفت، تا کسی را پیدا کند و آب برای خود و پسرش بیاورد، تا اینکه خدا فرج آورد و آب از نزد اسماعیل÷ بیرون آمد.

برادر عمره كننده! اگر به کوه صفا نزدیک شدی این آیه را تلاوت کن: ﴿۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ١٥٨﴾ [البقرة:158].

این آیه را در وقت نزدیک شدن به کوه صفا قبل از بالا رفتن تلاوت می‌کنی، و غیر از اینجا بدایت شوط اول در جای دیگر تلاوت نمی‌شود، و در هر شوط تکرار نمی‌شود، سپس به کوه صفا بالا برو، و لازم نیست تا آخر کوه بالا روی، بلکه کمی از آن کافی است تا اینکه زمین هموار شود، سپس به سوی کعبه متوجه شده بـگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وحده أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدُهُ، وَهَزَمَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

«الله بزرگ است (سه بار)، به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر هـر چیـز توانا است، بجـز او معبـود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعـده‌اش را تحقق بخشید، و بنده‌اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد».

این ذکر را سه بار تکرار کرده و بین آن‌ها از خیر دنیا و آخرت برای خود و دیگران می‌خواهی، و اگر از سه بار کمتر باشد إن شاء الله اشکالی ندارد.

و دست خود را بلند مکن مگر در حال دعا، و در حال تکبیر لازم نیست آن را بلند کرد.

سپس از کوه صفا پایین آمده به طرف کوه مروه بطور عادی راه رفته، خدا را یاد کرده و برای خود و اهل و برادران مسلمان دعا میکنی وقتی که به اولین نشان سبز رنگ رسیدی، در اینحال کمی دویده تا به نشان دوم برسی، تا آنجائی می‌توانی، سپس راه رفته تا به کوه مروه برسی، و هنگام رسیدن به کوه مروه بالا رفته رو به قبله می‌کنی، و آنچه را که در کوه صفا انجام دادی آن را تکرار می‌کنی آن هم عبارتست از: سه بار: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وحده أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدُهُ، وَهَزَمَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ». و بین آن‌ها دعا می‌کنی.

سپس رفته تا اینکه به نشان سبز برسی، و همچنان که ذکر شد انجام می‌دهد تا به کوه صفا برسد.

و همینطور سعی را هفت بار انجام بدهد و شوط هفتم باید به کوه مروه پایان یابد، هر بار که از کوه صفا به مروه رفت، یک شوط، و از کوه مروه به صفا، یک شوط بحساب می‌رود.

آرام راه رفتن در ابتدای سعی اشکالی ندارد، و اگر خسته شدی استراحت کن، و یا با گاری آن را بپایان برسان، اگر وقت نماز رسید و در سعی بودی، نمازت را ادا کن و از همانجا که سعی را قطع کرده‌ای آن را ادامه میدهی.

و در اثنای سعی مستحب است که انسان وضوء داشته باشد، و اگر سعی کرد و در حال طهارت نبود، سعی او صحیح است، همچنین زن اگر حیض داشت یا نفاس بود، سعی او درست است، چون در سعی طهارت شرط نیست، بلکه مستحب است.

آخرين اعمال عمره

برادر مسلمان! بعد از هفت شوط سعی که از کوه صفا شروع شده بود و در کوه مروه به پایان رسید، موی سر خود را تیغ می‌زنی، اگر نسک تو متمتع بود، و وقت حج نزدیک نباشد، اگر برای حج وقت کافی باشد که موی سرت بلند شود، اگر وقت حج نزدیک بود موی سر خود را کوتاه می‌کنی، و بایستی کوتاه کردن مو شامل تمامی سر شود، نه مانند بعضی از مردم که فقط به کوتاه کردن بعضی از موی سر اکتفا می‌کنند.

زن از هر زلفۀ خود به اندازۀ یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر مسلمان! اگر سر خود را تراشیدی و یا کوتاه کردی، چنانکه خدا امر فرموده، و رسول اللهص سنت کرده است، عمره ات به پایان رسیده است، و نسک خود را اتمام کرده‌ای، و بعد از این همه چیز که قبل از پوشیدن احرام از محظورات احرام بر تو حرام شده بود، بر تو حلال می‌شود، و لباس خود را می‌پوشی، و عطر استعمال می‌کنی، و همسرت بر تو، و هم چنین سایر محظورات احرام بر تو حلال می‌شود.

ولی برادر حاج اگر حج تو قارن و یا مفرد باشد موی سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کنی، بلکه در احرام خود باقی می‌مانی تا اینکه روز عید از احرام بیرون آمده حلال شوی.

اعمال حاج در روز ترويه (8 ذی حجه)

روز هشتم (8) ذی حجه بـر حاج متمتع مستحب است که از محل سکونت خـود قبـل از زوال آفتـاب احـرام ببندد، و اهـل مکه اگر خواستند به حج بروند از خانه‌هایشان احرام می‌بندند.

ولی قارن و مفرد که حلال نشده بودند آن‌ها بر احرام خود باقی هستند.

متمتع و کسیکه بخواهد به حج برود احرام بسته همه اعمالی که نزد میقات انجام داده بود از غسل و نظافت و بوخوشی و غیره دوباره انجام می‌دهد، سپس برای حج در قلب خود نیت کرده می‌گوید: «لبيك حجاً» سپس تلبیه را شروع می‌کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ».

و تمامی حجاج متمتع و قارن و مفرد در این روز قبل از زوال به صحرای منی می‌روند و در آنجا نماز ظهر و عصر هر کدام را دو رکعت در وقت خود، و نماز مغرب را سه رکعت در وقت خود، و نماز عشاء دو رکعت در وقت خود، و فجر روز نهم دو رکعت می‌خوانند.

برادر حاج! مستحب است که شب عرفه در منی صبح کنی چنانکه رسول اللهص انجام دادند، و وقتی نماز صبح را ادا کردی تا طلوع آفتاب منتظر شوی، و بعد از طلوع آفتاب تلبیه گویان، و تکبیر گویان به سوی عرفات بروی.

اعمال روز عرفه (9) ذی حجه

روز عرفه روز مبارکی است خداوند به سبب فراوانی خیرات در آن، و نزول فرشتگان رحمت در آن روز، در قرآن به آن سوگند خورده است، هیچ وقت شیطان حقیرتر و پست‌تر از این روز دیده نشده است.

هرگاه به عرفه رسیدی مستحب است که - اگر برایت میسر شد - در درّه (وادی نمره) تا زوال آفتاب بمانی، چنانکه رسول اللهص آن را انجام دادند، و اگر میسر نشد اشکالی نـدارد که در هر جای دیگر داخل حـدود عرفه، - چنانکه با علامت‌ها و نشانه‌ها و تابلوهای ارشادی بیان شده -بمانی.

پـس از طلـوع آفتـاب، تـا غـروب آفتـاب در عـرفـه می‌مانی، و قت خود را در تلبیه و دعا و استغفار و ذکر خدا می‌گذرانی، هنگام زوال آفتاب و دخول وقت ظهر، بر امام سنت است که خطبه‌ای شامل که بیان کننده همۀ چیز در آن روز و روز بعدی باشد بخواند، و مردم را وعظ و پند دهد و نصیحت کند، و به احکام اسلام تذکر دهد، و آنچه بر مسلمان مقابل خدا و خانواده و برادران مسلمان خود واجب است بیان کند، چنانکه رسول اللهص چنین انجام دادند.

سپس نماز ظهر و عصر را قصراً و جمعاً در وقت ظهر با یک اذان و دو اقامه ادا میکند، و قبل از نماز ظهر و بین نماز ظهر و عصر و بعد از نماز عصر هیچ نماز دیگری ادا نمی‌شود.

برادر حاج! و هنگامی که نماز را به پایان رساندی، در این لحظات خدا را بسیار ذکر کن، تا این فرصت بزرگ از تو فوت نشود، و بسیار دعا و ذکر خدا و تسبیح و تحمید و تهلیل و توبه و استغفار کن، تا اینکه آفتاب غروب کند، و در حال دعا کردن دو دست خود را بلند کن در حالی که رویت به قبله است، و در حالی که در خضوع و خشوع و فروتنی باشی، رسول اللهص می‌فرماید: «خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَخَيْرُ مَا قُلْتُ أَنَا وَالنَّبِيُّونَ مِنْ قَبْلِى لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ».

بهترین دعا دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»[[23]](#footnote-23).

«هیچ معبودی بجز الله بحق وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد از آنِ اوست، و او بر هر چیز تواناست».

و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواه.

و از اعمالی که اجر و ثواب را در این موقف بزرگ از بین می‌برد بر حذر باش.

اشتباهاتی كه در روز عرفه رخ می‌دهد

بعضی از حجاج در روز عرفه اشتباهاتی انجام می‌دهند و ما آن را ذکر می‌کنیم تا از آن برحذر باشی.

1. بعضی از حجاج خارج از حدود عرفه می‌نشینند، در حالیکه با نشانه‌ها حدود آن معین شده است، آن‌ها ارشاد و راهنمائی می‌شوند، ولی چون عجله دارند تا از عرفه بیرون روند قبول نمی‌کنند، و این رکن بزرگ را از بین می‌برند، رسول اللهص می‌فرماید: «الْحَجُّ عَرَفَةُ»[[24]](#footnote-24).

«حج همان روز عرفه و نزول در عرفه است».

1. بعضی از حجاج برای رسیدن به جبل الرحمه خود را به زحمت می‌اندازند، و خود را به کوه و سنگ‌های آن می‌مالند و معتقدند که برای آن ویژگی خاصی است، در حالیکه این یک نوع بدعت است باید از آن اجتناب ورزید، و برای حاج کافی است که داخل حدود عرفه در هر جا که باشد بایستد.
2. بسیاری از حجاج در روز عرفه به شوخی و خنده و سخنانی بی‌فایده مشغول می‌شوند، و ذکر خدا و دعا و استغفار را در این موقف بزرگ ترک می‌کنند.
3. بعضی از حجاج در حال دعا کردن رو به کوه کرده و قبله را پشت سر خود، یا در دست راست، یا دست چپ خود قرار می‌دهند، ولی سنت این است که اگر میسر شد کوه را بین خود و بین قبله قرار داد، و اگر میسر نشد - غالباً چنین خواهد بود - بسبب ازدحام زیاد - سنت این است که در حال دعا رو به قبله کند، اگر کوه جلو حاج نباشد.
4. بعضی از حجاج قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج می‌شوند، و این جایز نیست، و باید حاج از عرفات خارج نشود تا اینکه آفتاب غروب کند، تأسی و اقتدا به رسول اللهص کند چنانکه فرمودند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ».

«مناسک خود را از من بیاموزید».

1. بعضی از حجاج در خروج از عرفه عجله کرده و تلبیه را فراموش می‌کنند، و تمام تلاش او این است که هرچه زودتر به مزدلفه برسد، و اولی و افضل این است که با سکونت و وقار رفته و در جایی که ازدحام نیست، عجله کند، و در مکان ازدحام با آرامش راه برود، و تلبیه بگوید.

ماندن شب در مزدلفه:

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حجاج بسوی مزدلفه بحرکت در می‌آیند، و اولین چیزی که حاج باید وقت رسیدن به مزدلفه انجام دهد ادای نماز مغرب با عشاء جمع و قصر(سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز عشاء) است، و آن شب را در مزدلفه بماند، و حریص باش تا زود بخوابی تا هنگام برخواستن برای ادای بقیه مناسک حج روز عید زرنگ و نشیط باشی.

پس هرگاه که صبح طلوع کرد دو رکعت نماز صبح خوانده سپس بسوی مشعر الحرام که کوهی در مزدلفه است رفته و نزد آن بایست و در حال حاضر نزد آن کوه مسجدی بنا شده است، و یا در هر جای دیگر از مزدلفه رو به قبله ایستاده و دعا کن و تکبیر و تهلیل و کلمه توحید را بگو و دست خود را بلند کرده بسیار دعا کن، و همچنان دعا را ادامه بده تا اینکه هوا کاملاً روشن شود.

و هرگاه کاملاً صبح روشن شد، قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منی حرکت کن، اگر میسر باشد.

سنت است که فقط هفت سنگریزه برای رمی جمرۀ العقبۀ روز عید از مزدلفه جمع کنی، ولی بقیۀ سنگریزه‌ها از منی جمع می‌شود، این بهتر است، و از هر جا که سنگریزه‌ها برداشته شود جایز است، اما بسیاری از مردم معتقدند که باید سنگریزه‌ها از مزدلفه جمع شود، و این اعتقاد صحیح نیست، بلکه از هر دو جا (مزدلفه و منی) جایز است.

و این سنگریزه‌ها از دانۀ نخود کمی بزرگتر است، و رسول اکرمص از غلو و زیاده روی در دین، و از اینکه حجم این سنگریزه‌ها بزرگ باشد نهی فرموده‌اند.

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد وغیرهم، وصححه الألبانی].

و هرگاه سنگریزه‌ها را از مزدلفه جمع کردی با رعایت بسوی مزدلفه برو، و بسیار تلبیه بگو، و مستحب است هرگاه به وادی محسّر، که درّه‌ای بین مزدلفه و منی است رسیدی در سیر و حرکت خود تند بروی، ولی بدون اذیت و آزار دیگران، چنان که رسول اللهص آن را انجام دادند، [مسلم].

و رسول اللهص برای زنان و بچه‌ها در شب مزدلفه رخصت داده تا آخر شب بعد از ناپدید شدن مهتاب برای رمی جمره العقبه از مزدلفه به منی بروند. در حالیکه ربع شب و یا نزدیک به ربع آن باقی مانده است.

[روایت بخاری، و مسلم، و دیگری روایت أبو داود و نسائی].

و این حکم خاص و ویژه به این‌هاست، اما مردانی که تحمل زحمت دارند، بر آن‌ها واجب است که بعد از طلوع آفتاب جمره العقبه را رمی کنند، تا اینکه به رسول اللهص.تأسی و اقتداء کرده باشند.

اعمال روز 10 ذی حجه (روز عید)

روز دهم ذی حجه، روز عید مسلمانان در تمامی دنیای اسلام است، با سرور و مسرت و خوشحالی آن را استقبال میکنند، و آن روز حج أکبر است، چون بسیاری از اعمال حج در آن رخ می‌دهد مانند: رمی، ذبح هدی، تراشیدن سر، طواف کعبه، و سعی بین صفا و مروه.

برادر حاج! هرگاه صبح روز عید به منی رسیدی چهار عمل انجام می‌دهی که عبارتند از:

1. بسوی جمرة العقبة که آخرین جمره بطرف مکه است رفته، و در آنجا تلبیه را قطع کرده، و منی را در دست راست خود قرار ده، و قبله را در دست چپ، و جمره را مقابل خود و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با پرتاپ هر سنگریزه تکبیر بگو.

و این تنها جمره‌ای است که روز عید رمی می‌شود، اما بقیه روزها رمی جمره‌ها بعد از زوال آفتاب خواهد بود.

و جایز نیست که بیشتر و یا کمتر از هفت سنگریزه جمره را رمی کنی، و از غلو بر حذر باش، چون بعضی از حجاج با سنگ‌های بزرگ، با کفش و غیره آن را رمی می‌کنند، و از مزاحمت، و زد و خورد، و آزار و اذیت برادران مسلمان برای رمی جمره بر حذر باش، چون خداوند عبادت و طاعت خود را با اذیت و آزار برادران مسلمان قرار نداده است.

و از افعالی که بعضی مردم انجام می‌دهند بر حذر باش، آن هم اینکه یکبار همۀ سنگریزه‌ها را یکدفعه پرتاب میکنند، و هر کس اینکار را کرد مانند این است که فقط یک سنگریزه پرتاب کرده است، و باید سنگریزه‌های اطراف خود را جمع کرده و بقیۀ هفت بار را تکمیل کند، و همچنین کسی که چیزی از سنگریزه‌ها را گم کرد از اطراف خود سنگریزه را جمع می‌کند، اگر هم نزدیک جمره‌ها باشد.

و همچنین از افعال بعضی از مردم نیز بر حذر باش، که هنگام پرتاب کردن سنگریزه بسوی جمره‌ها صدای خود را بلند کرده و فحش و دشنام می‌دهند معتقدند که شیطان را رمی می‌کنند، و این اعتقاد باطل است، زیرا جمرات بایستی با فروتنی و آرامش و با ذکر خدا و دعا پرتاب شوند، و خداوند رمی جمرات را برای برپا داشتن ذکر و یاد خود شرع نموده است.

باید حاج در پرتاب جمرات مواظب باشد چون بعضی از حجاج ستون را رمی می‌کنند، در حالیکه بایستی سنگریزه‌ها در حوض بیفتد، چون ممکن است در حال پرتاب ستون، سنگریزه خارج از حوض بیفتد که این از اشتباهات حجاج بشمار می‌رود، و مقصود از پرتاب کردن، افتادن سنگریزه‌ها در حوض است، نه خوردن و اصابت کردن آن‌ها به ستون.

1. اگر از رمی جمره فارغ شدی، و حج متمتع و یا قارن بودی، هدی را ذبح کن، و از آن گوشت بخور و به فقراء صدقه کن، و به کسانی که دوست داری هدیه کن، حال چه ذبح در منی باشد که بهتر است، یا در مکه باشد، و خارج از حدود (مرز) مکه ذبح نمی‌شود.
2. و هرگاه از ذبح هدی فارغ شدی، موی سر خود را کوتاه کن و بهتر این است که آن را با تیغ بزنی، چون رسول اللهص برای کسیکه موی خود را تیغ میزند سه بار دعای مغفرت کردند، و فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ ثم دعا للمقصرين مرة واحدة»[[25]](#footnote-25).

«پروردگارا! حلق کنندگان (کسانی که موی سر را تیغ می‌زنند) مورد بخشش قرار بده، و سه بار آن را تکرار کرد، سپس برای کسانی که موی سر را کوتاه می‌کنند یکبار دعا کرد».

و زن از هر زلفۀ خود به اندازۀ یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر حاج! اگر جمرة العقبة رمی کردی، و موی سر را تیغ زده و یا کوتاه نمودی، همه چیز بر تو حلال خواهد شد، مگر نزدیکی با زن، و اینرا تحلل اول می‌نامند.

و در اینحال سنت است که خود را تمیز کرده و عطر زده و بهترین لباس‌هایت را بپوشی.

1. برادر حاج! هرگاه از رمی جمره و ذبح هدی، و تیغ زدن سر و یا کوتاه کردن آن فارغ شدی بسوی مکه رفته و طواف کن که آن را طواف الإفاضه و یا طواف زیارت گویند، و صفت آن همانند طواف عمره و یا طواف قدوم که قبلاً ذکر شد می‌باشد، ولی در آن الرمل (یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها)، و اضطباع وجود ندارد، و طواف می‌کنی در حالیکه با وضو هستی و لباس خود را پوشیده‌ای، و هنگامی که از طواف فارغ شدی اگر امکان پذیر بود پشت مقام إبراهیم÷ دو رکعت نماز بخوان، در حالیکه در این وقت بر حاج مشکل است که پشت مقام إبراهیم÷ نماز بخواند، آن هم بسبب شلوغی و ازدحام شدید، پس بهتر است که از مقام دور شود تا نه به مردم اذیت رساند، و نه مردم او را اذیت و آزار دهند، و از آب زمزم بنوش همچنانکه قبلاً ذکر کردیم، سپس بسوی کوه صفا رفته و هفت بار بین صفا و مروه سعی کن، چنانکه در صفت عمره گذشت، و این سعی بر شخص متمتع واجب است، چون سعی اول او برای عمره بود، و این سعی برای حج اوست.

ولی بر شخص قارن و مفرد، فقط یک سعی واجب است، پس اگر در طواف قدوم سعی کرده است برای او از سعی افاضه کافی است و لازم نیست دوباره سعی کند، و اگر قارن و مفرد در قدوم خود سعی نکره‌اند سعی بر ایشان واجب می‌شود.

جایز است که طواف إفاضه را یک و یا دو روز به تأخیر اندازی، یا اینکه آن را در پایان مناسک حج و هنگام خروج از مکه با طواف وداع انجام دهی، و یک سعی انجام می‌شود.

برادر حاج! اگر جمرة العقبة را رمی کردی، و موی خود را تیغ زده و یا کوتاه کردی، و طواف افاضه را انجام دادی، و سعی برای کسی که سعی بر او واجب است انجام داد، همه چیز حتی زن بر او حلال می‌شود، و این را تحلل دوم می‌نامند.

بهتر است که برادر حاج این چهار چیز را بطور ترتیب چنانکه وارد شده انجام دهد، اول رمی جمرۀ العقبۀ، سپس ذبح هدی، بعد تیغ زدن مو و یا کوتاه کردن آن، سپس طواف، و بعد از آن سعی برای متمتع، و شخص قارن و مفردی که با طواف قدوم سعی نکرده باشد.

این چنین رسول اللهص در حجة الوداع انجام دادند.

ولی اگر چیزی بر چیز دیگر تقدیم و یا تأخیر افتاد هیچ اشکالی ندارد و إن شاء الله حج صحیح است.

چون یاران از رسول اکرمص در روز عید پرسش می‌کردند که تیغ زدن را بر ذبح هدی تقدیم داشته، و یا طواف را بر رمی جمره تقدیم داشته‌اند... تا آخر و در جواب آن‌ها حضرتص می‌فرمودند: «افْعَلْ وَلَا حَرَجَ». انجام ده که هیچ اشکالی ندارد، و این بر این دلالت می‌کند که خداوند بر بندگانش آسان می‌گیرد، و نشانۀ رحمت و شفقت اوست.

خدایا سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و راه را بر بندگان آشکار نمودی.

اعمالی كه حاج در روزهای تشریق انجام می‌دهد

برادر حاج: روزهای تشریق (11،12،13) است که روزهای خوردن وآشامیدن و ذکر و یاد خداست و روزه‌گرفتن در این روزها جایز نیست، مگر برای کسی که هدی پیدا نکرده باشد.

در این روزها چیزهایی بر تو واجب می‌شود که عبارتند از:

1. سه شب را در منی ماندن، و یا دو شب برای کسیکه عجله داشته باشد، واجب آن است که بیشتر شب را در منی بماند، چه از اول شب، و چه از آخر آن، ولی بهتر آن است که تمامی شب را در منی بماند و از آن خارج نشود، چه در شب ویا در روز، مگر برای غرض معینی مانند طواف و سعی، سپس به جایگاه خود در منی باز گردد.
2. رمی جمرات سه گانه هر روز بعد از زوال آفتاب، و اما قبل از زوال آفتاب جایز نیست، چون رسول اللهص بعد از زوال رمی کردند، و اگر جایز بود برای آسان بودن به امت خود آن را قبل از زوال انجام می‌دادند، و صفت رمی جمره‌های سه گانه چنین است:

أ- جمره اول را که نزدیک به مسجد (خیف) است شروع کرده و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی می‌کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر می‌گوید، و باید مطمئن شد که سنگریزه در حوض افتاده است، و اگر در حوض نیفتد کافی نیست، سپس بجلو رفته و کمی از شلوغی دور شده، و رو به قبله کرده و دست‌ها را بلند کرده و از خیر و خوبی دنیا و آخرت از خداوند طلب می‌کند و بسیار دعا می‌کند.

ب- سپس به جمره وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آن را رمی می‌کند، و با هر پرتابی تکبیر گفته، سپس کمی از شلوغی دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می‌کند.

ج- سپس بسوی جمرة العقبة رفته و آن را با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با هر پرتابی تکبیر می‌گوید، ولی بعد از آن در اینجا دعائی نیست، و باید بعد از آن بسوی محل اقامت رفت تا روز دیگر.

سپس باید در روز (12) بعد از زوال آفتاب چنانکه در روز اول انجام شد جمره‌های سه گانه را رمی کرد.

پس اگر حاج عجله‌ای داشته باشد قبل از غروب آفتاب روز (12) از منی بسوی مکه متوجه می‌شود تا طواف وداع را انجام دهد، و اگر خواست که تأخیر کند، در شب(13) در منی مانده و بعـد از زوال آفتاب جمره‌های سه گانه را چنانکه گذشت رمی می‌کند.

برادر حاج! سنت است که در این روزها بعد از نمازهای فرض تکبیر گفت و ذکر و یاد خدا را بسیار کرد، شب و روز و هنگام ذبح هدی، و خوردن، و رمی جمره‌ها، و در همه حال.

طواف وداع

بعد از این که خداوند به آن‌ها توفیق ادای مناسک حج بطور کامل داد و چنان که خدا و رسول خداص امر کرده‌اند مناسک حج انجام شد، اینجاست که کاروآن‌های حجاج سرزمین‌های مقدس را ترک می‌کنند، و طواف وداع که آخرین واجبات حج است برای کسی که بخواهد از مکه بسوی دیار خود باز گردد واجب می‌شود، رسول اللهص فرمودند: «لا يَنْفِرَنَّ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ آخِرُ عَهْدِهِ بِالْبَيْتِ»[[26]](#footnote-26). «هیچکس (مکه را ترک نکند) مگر اینکه آخرین اعمال و عهد و پیمان او طواف (کعبه) وداع باشد».

و درباره زن حائض و نفساء (زایمان) رخصت است که طواف وداع را ترک کنند، ولی غیر از این افراد ترک طواف وداع برای کسی جایز نیست.

صفت طواف وداع مانند طواف عمره است، مگر اینکه حاج با لباس خود طواف می‌کند، و در آن (رمل) و (اضطباع) سنت نیست.

برادر حاج! بعد از طواف دو رکعت نماز سنت پشت مقام إبراهیم÷ را اداء کن، سپس از حرم خارج شده و دعای خروج از مسجد را بگو و آن هم «بِسم الله والصلاة والسلام على رسول الله اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ»[[27]](#footnote-27).

«به نام الله، و درود و سلام بر رسول اللهص، الهی! من از تو فضل و احسانت را می‌خواهم».

سپس با سلامتی و حفظ خدا به وطن خود بازگرد، اگر بعد از طواف وداع نماز فرضی آمد و یا خواستی نماز نافله‌ای بخوانی اشکالی ندارد، لیکن بایستی زیاد مکث نکنی، بکوش که طواف وداع آخرین توقف تو در مکه باشد.

زیارت مسجد رسول الله**ص**

برادر مسلمان! خداوند بر تو منت گذاشت و حجتش را بر تو تمام کرد، نماز در مسجد الحرام را که هر نماز در آن برابر با صدهزار نماز در مساجد دیگر است نصیب تو کرده است، از اتمام این فضیلت این است که به زیارت مسجد رسول اللهص در طیبة الطیبة، مدینة المبارکة مهاجر رسول اللهص رفته‌ای و در آنجا نمازی که میخوانی هر نمازش برابر هزار نماز در مساجد دیگر می‌باشد، مگر مسجدالحرام، و شما را به چند تذکر یادآوری می‌کنیم:

1. زیارت مسجد النبوی طاهر و پاک هیچ ارتباطی به حج ندارد، پس نه از واجبات، و نه از ارکان حج است، و زیارت آن در تمامی سال مستحب است، و چون در این کشور بودی سخن از زیارت آن مناسب آمد، ولی حدیث: «من حج ولم يزرني فقد جفاني». حدیث مجعول و ساختگی است و از رسول اکرمص نیست.
2. برادر زائر! هرگاه به مسجد نبوی وارد شدی مستحب است که پای راست را در هنگام دخول جلو بگذاری و این دعاء را بخوانی: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسم الله والصلاة والسلام علی رسول الله اللَّهُمَّ افْتَحْ لِى أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»[[28]](#footnote-28).
3. دو رکعت نماز تحیه مسجد را ادا می‌کنی، مانند بقیۀ مساجد، و هرچه خواستی دعا می‌کنی، بهتر است که این دو رکعت را در روضۀ شریفه اداء کنی، و آن هم بین منبر و بین خانه پیامبرص که در آن قبر وجود دارد، چون رسول اللهص فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِى وَمِنْبَرِى رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمِنْبَرِى عَلَى حَوْضِى»[[29]](#footnote-29).

«در بین منبر و خانه ام باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و منبر من در روز قیامت بر حوض کوثر قرار دارد».

1. سپس ای برادر زائر به نزد قبر رسول اللهص برای سلام برو، با أدب و فروتنی و با صدای آرام مقابل قبر ایستاده و چنین سلام کن: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»[[30]](#footnote-30).

«سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای محمد، بار إلها! بر محمد و آل محمد درود بفرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی، بار إلها! بر محمد و آل محمد برکت نازل فرما، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل کردی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی».

و اگر این دعا را اضافه کنی خوب است: «أشهد أنَّك رسول الله حقاً، وأنَّك بلغت الرسالة، وأديت الأمانة وجاهدت في الله حق جهاده، ونصحت الأمة، فجزاك الله عن أمتك أفضل ما جزی نبياً عن أمته».

«گواهی می‌دهم که تو پیامبر حق بودی، و رسالت را ابلاغ کردی، و أمانت را ادا نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و أمت را نصیحت فرمودی، پس خدا پادش تو را بهترین پادشی که هر پیامبری از امت خود می‌دهد، عطا فرماید».

چون این‌ها همه از اوصاف اوص می‌باشد.

سپس کمی جلو رفته و بر ابوبکر الصدیقس سلام کن، و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو، سپس کمی به طرف راست جلو رفته و بر عمر بن الخطابس سلام کن و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو.

1. برادر زائر! بعضی از زائرین مسجدالنبوی کارهایی مخالف با تعالیم اسلام، و گفته پیامبرص انجام می‌دهند، پس از آن‌ها بر حذر باش، چون بعضی از زائرین به سنگ‌ها و پنجره‌ها دست می‌کشند، طوری که میخواهند دور آن‌ها طواف کنند، و بعضی از آن‌ها از رسول خداص طلب قضای حاجت و شفای مریضان میکنند، و مانند این‌ها، که هیچ کدام از این‌ها جایز نیست، و اگر این‌ها حق بود، رسول اللهص انجام آن را به ما امر می‌فرمودند، و صحابه و یارانش آن را انجام می‌دادند.
2. برای زن، زیارت قبر رسول اللهص و دیگر قبرستآن‌ها جایز نیست، لیکن زن مسجد النبی را زیارت کرده و در آن عبادت خدا می‌کند، و از مکان خود بر رسول اللهص درود می‌فرستد و سلام می‌کند، چون هر جا باشد این سلام به او می‌رسد.
3. برادر زائر! مادامیکه در مدینه هستی بر مردان زیارت قبرهای بقیع، و از جمله آن‌ها خلیفۀ سوم عثمان بن عفانس، و قبرهای شهدای أحد، و قبر حمزهش سنت است، چون رسول اللهص آن‌ها را زیارت می‌کرده و بر ایشان دعا می‌فرمودند، و چنین می‌فرمودند: «السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لاَحِقُونَ يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ »[[31]](#footnote-31).

«سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، و ما بخواست خداوند به شما خواهیم پیوست، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید، و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامت و عافیت داریم».

1. برادر و خواهر زائر: از اماکنی که آن را زیارت جایز است: مسجد قباء است، چون رسول اللهص بطور پیاده و سواره زیارت آن می‌کردند و در آن دو رکعت نماز می‌خواندند[[32]](#footnote-32).

و در فضیلت نماز در آن از سهل بن حنیف آمده که رسول اللهص فرمودند: «مَنْ تَطَهَّرَ فِى بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءٍ فَصَلَّى فِيهِ صَلاَةً كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ»[[33]](#footnote-33).

«هرکس در خانۀ خود وضو بگیرد، سپس به مسجد قباء رفته و نماز بخواند، برای او مانند أجر عمره است».

برادر حاج! در پایان این کتاب تو را به چند وصیت و تذکر سفارش می‌کنیم، ممکن است که به تو نفع برساند، چـون فضای وسیع بیت الله الحرام جایی است که به طاعت و بندگی انسان کمک کرده و او را از معصیت دور می‌دارد.

1. بر ادای نمازهای پنجگانه در مسجد الحرام حریص باش، و زود در مسجد حاضر باش، و تا آنجایی که در توان باشد در خشوع و خضوع نماز کوشا باش.
2. تلاوت قرآن از بزرگترین قربات به خدا است، پـس برای خـود در ایـن حج و عمره برنامه‌ای قرار ده تا بتوانی به قدر توانایی خود بخش‌هایی از قرآن را بخوانی.
3. نماز در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز در مساجد دیگر است، پس بر ادای نوافل و سنن حریص باش، مردی به نزد رسول اللهص آمد و از او خواست تا در بهشت با آن حضرت باشد، آنحضرتص فرمودند: «أَعِنِّي عَلَى نَفْسِك بِكَثْرَةِ السُّجُودِ»[[34]](#footnote-34).

«مرا بر یاری ات به بهشت با ادای نوافل بسیار کمک کن. یعنی نوافل و سنن بسیاری انجام ده تا در بهشت با من باشی».

1. از نیکی‌هاست که بر اذکار صبح و شام محافظت کنی، پس تلاش کن تا آن را حفظ نمائی، آن هم از روی بعضی از کتاب‌های اذکار مانند کتاب الشیخ بکر بن عبدالله أبوزید عضو هیئت کبار علماء.
2. بر اخلاق و معاملۀ خوب حریص باش، و از بدی دوری کن.
3. ای برادر! به سوی توبه بشتاب، و صفحۀ نو برای زندگی خود باز کن که پر از ایمان و عمل صالح و نیک باشد، امید است که این سفر مبارک درِ خیری باشد که تو را به خالق و مولایت نزدیک کند.

قال تعالی: ﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ٥٤ وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحۡسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ بَغۡتَةٗ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٥٥ أَن تَقُولَ نَفۡسٞ يَٰحَسۡرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ٥٦ أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٥٧ أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٨ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٩ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ ٦٠ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦١﴾ [الزمر: 53-61].

«(ای پیامبر، از سوی من) بگو: ای بندگانی که بر خود اسراف کرده‌اید، از رحمتِ خدا ناامید نشوید. به راستی خداوند همه گناهان را می‌بخشد. بی‌گمان اوست آمرزگار مهربان. و پیش از آنکه عذاب به شما رسد، آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان، باز آیید و در برابر او تسلیم شوید. و پیش از آنکه ناگهان عذاب به شما رسد و شما ناآگاه باشید، از بهترین آنچه از سوی پروردگارتان به شما نازل شده است، پیروی کنید. که (مبادا) کسی بگوید: وای بر من به خاطر کوتاهی‌ای که در حق خدا کردم، و بی‌گمان از ریشخندکنندگان بود. یا بگوید: اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، به یقین از پرهیزگاران بودم. یا چون عذاب را ببیند، بگوید: ای کاش بازگشتی داشتم تا از نیکوکاران باشم. (خداوند می‌فرماید:) آری آیات من به تو رسید و آن‌ها را دروغ انگاشتی و کبر ورزیدی و از کافران شدی. و روز قیامت آنان را که بر خداوند دروغ بستند، خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه شده است. آیا برای متکبران جایگاهی در دوزخ نیست؟ خداوند پرهیزگاران را قرینِ رستگاری شان نجات می‌دهد. به آنان رنجی نرسد و نه اندوهگین شوند».

و در پایان: هدیه الحاج و المعتمر (بنیاد هدیۀ حجاج و معتمرین)، از خدا مسئلت دارد تا سعی شما مشکور، و حج و عمرۀتان مقبول باشد، و شما را سالم و با پاداشی فراوان به خانوادۀتان برگرداند، و بر ما و شما پایداری و استوار بودن بر دین و عمل نیک منت گذارد.

ادعیۀ ثابت از قرآن و سنت رسول الله**ص**

﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾ [الأعراف: 23].

«پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کرده ایم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیان دیدگان خواهیم بود».

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾ [البقرة: 127].

«ای پروردگارا ما! (این عمل را) از ما بپذیر. بی‌گمان تو شنوا و دانا هستی».

﴿وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ﴾ [البقرة: 128].

«و ما را ببخشای. بی‌گمان تو بس توبه پذیر و مهربانی».

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠﴾ [ابراهیم: 40].

«پروردگارا، مرا و(کسانی) از فرزندان مرا، نمازگزار کن، پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر».

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ [النمل: 19].

«پروردگارا! چنان کن که پیوسته سپاسگزار نعمت‌هائی باشم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و مرا توفیق عطا فرما تا کارهای نیکی را انجام دهم که تو از آن‌ها راضی باشی، و مرا در پرتو مرحمت خود از زمره بندگان شایسته ات گردان».

﴿رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾ [طه: 25-28].

«پروردگارا، سینه ام را بر من بگشا. و کارم را بر من آسان گردان. و گره از زبانم بگشای. تا اینکه سخنان مرا بفهمند».

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ [آل‌عمران: 147].

«پروردگارا! گناهانمان را ببخشای و از زیاده روی‌ها و تند روی‌هایمان صرف نظر فرمای و گامهایمان را استوار بدار. و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا﴾ [الکهف: 10].

«پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره مند، و راه نجاتی برایمان فراهم کن».

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾ [المؤمنون: 98].

«پروردگارا! خویشتن را از وسوسه‌های اهریمنان در پناه تو میدارم. و خویشتن را در پناه تو میدارم از اینکه با من گرد آیند».

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ [البقرة: 286].

«پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را بدان مگیر، پروردگارا! بار سنگین را بر دوش ما مگذار آنچنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن، و از ما درگذر، و ما را ببخشای، و به ما رحم کن، تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾ [آل‌عمران: 8].

«پروردگارا! دل‌های ما را از راه حق منحرف مگردان بعد از آنکه ما را رهنمود وهدایت نمودی، و از جانب خود رحمتی به ما عطاء کن، بیگمان بخشایشگر توئی تو».

﴿رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦﴾ [الفرقان: 65-66].

«پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما دور بدار، چرا که عذاب آن گریبانگر هر کس که شد از او جدا نمی‌گردد، بیگمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است».

﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: 74].

«پروردگارا! همسران و فرزندانی به ما عطاء فرما که (به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده) مایۀ سرور ما و باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201].

«پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان، و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِى بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّ قَلْبِى مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِى وَبَيْنَ خَطَايَاىَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ»[[35]](#footnote-35).

«خدایا از فتنه دوزخ و عذاب دوزخ، و فتنه قبر، و عذاب قبر، و شر فتنه ثروتمندی، و شر فتنه فقیری، به تو پناه می‌برم. خدایا از فتنه دجال مسیح به تو پناه می‌برم، خدایا، قلبم را با آب یخ و تگرگ بشوی، و قلبم را از گناهان پاک گردان، همچنانکه لباس سفید از چرک پاک می‌شود، و بین من و بین خطاهایم دوری بینداز، چنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختی».

خدایا! از تنبلی و پیری وگناه و بدهکاری، به تو پناه می‌برم.

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ»[[36]](#footnote-36).

«خدایا! همانا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و برزخ، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ جَهْدِ الْبَلاَءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الأَعْدَاءِ»[[37]](#footnote-37).

«خدایا! من از شدت رنجِ بلا، بدبختی، قضا و سرنوشت بد، و از خوشحالی دشمن، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِى دِينِىَ الَّذِى هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِى وَأَصْلِحْ لِى دُنْيَاىَ الَّتِى فِيهَا مَعَاشِى وَأَصْلِحْ لِى آخِرَتِى الَّتِى فِيهَا مَعَادِى وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِى فِى كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِى مِنْ كُلِّ شَرٍّ »[[38]](#footnote-38).

«خدایا! دین مرا اصلاح کن، که آن سبب سلامت کار من است، و دنیایم را اصلاح کن، که روزی من درآن است، و آخرت مرا اصلاح کن، که معاد و بازگشت من به آن است، و زندگی را در خیر بسیار، و مرگ را از هر شر برایم راحت بگردان».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى»[[39]](#footnote-39).

«خدایا! از تو هدایت و تقوا و پاکی و بی‌نیازی خواهانم».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِى تَقْوَاهَا وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلاَهَا».

«خدایا! هرآینه من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! به نفسم تقوا عطا فرما و آن را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک کنندگانی. تو مالک نفس من و صاحب آن هستی».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لاَ يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لاَ يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لاَ تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لاَ يُسْتَجَابُ لَهَا»[[40]](#footnote-40).

«خدایا! از علم ودانشی که سود وفایده‌ای نمی‌رساند، و از دلی که فروتن نمی‌شود، و از نفسی که سیر نمی‌شود، و از دعایی که مستجاب نمی‌شود، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَجَمِيعِ سَخَطِكَ»[[41]](#footnote-41).

«خدایا! من از زوال و نیست شدن نعمتت بر خودم، و از برگشتن تندرستی‌ام (به‌سوی بیماری و ناخوشی) و از عقوبت ناگهانی‌ات، و از خشم و غضبت، به تو پناه می‌برم».

«اللهم أكثر مالي وولدي، وبارك لي فيما أعطيتني، وأطل حياتي علی طاعتك وأحسن عملي، واغفر لي»[[42]](#footnote-42).

«خدایا مالم و أولادم را زیاد کن، و بر آنچه به من عطا فرمودی برکت ده، و زندگیم را بر طاعت خود طولانی، و کارم را نیک بگردان، و گناهم را ببخش».

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»[[43]](#footnote-43).

«معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و بردبار. معبودی به حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ. معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمآن‌ها و زمین و عرش بزرگ».

«اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلاَ تَكِلْنِى إِلَى نَفْسِى طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِى شَأْنِى كُلَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ»[[44]](#footnote-44).

«خدایا، من رحمتت را آرزومندم، پس هرگز مرا به خود به یک چشم زدن هم وامگذار، و تمامی امورم را اصلاح فرما، خدایی بحق نیست مگر تو».

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»[[45]](#footnote-45).

«خدایا من بنده توام، پسر بنده تو، پسر کنیز تو، پیشانی ام (زمامم) به دست توست، حکمت بر من جاریست، و حکمت بر من عدل است، از تو خواهانم با توسل به هر اسمی که از آن تو است، و تو خود را به آن نامیده‌ای، و یا آنر در کتاب نازل کرده‌ای، و یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‌ای، و یا آن را در علم غیب نزد خود برگزیده‌ای، که قرآن را بهار قلبم، و نور سینه ام، و صیقل دهنده اندوهم، و دور کننده غمم بگردانی».

«اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ»[[46]](#footnote-46).

«ای دگرگون کنندۀ دل‌ها! دلم را به سوی طاعتت هدایت کن».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِى وَمِنْ شَرِّ بَصَرِى وَمِنْ شَرِّ لِسَانِى وَمِنْ شَرِّ قَلْبِى وَمِنْ شَرِّ مَنِيِّى»[[47]](#footnote-47).

«خدایا، من از شر گوش، چشم، زبان، قلب، آرزویم، بتو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الأَخْلاَقِ وَالأَعْمَالِ وَالأَهْوَاءِ»[[48]](#footnote-48).

«خدایا، از بدی اخلاق، و اعمال، و هوا و هوس به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّى»[[49]](#footnote-49).

«خدیا، تو عفو کننده و کریم هستی، و عفو را دوست داری، پس مرا عفو نما».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِى وَتَرْحَمَنِى وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً فِى قَوْمٍ فَتَوَفَّنِى غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِى إِلَى حُبِّكَ»[[50]](#footnote-50).

«خدایا، من از تو اعمال خیر، و ترک منکرات، و محبت مساکین را خواهانم. مرا ببخشای، و رحمت کن، و اگر به قومی فتنه‌ای خواستی، مرا بدون فتنه بمیران، و محبت تو، و محبت کسانیکه تو را دوست دارند خواهانم، و محبت عملی را که به محبت تو نزدیک می‌کند».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِى خَيْرًا»[[51]](#footnote-51).

«خـدایا! همه خیرات را از تو خـواهانم، زود و دیر، آنچه من می‌دانم، و آنچه نمی‌دانم، و از همه شرور به تو پناه می‌برم، زود و دیر، آنچه من می‌دانم، و آنچه نمیدانم، خدایا، از بهترین چیزی که بنده و پیامبرت از تو پرسیدند، خواهانم، و از بدترین چیزی که بنده و پیامبرت از آن پناه خواستند، پناه می‌خواهم، خدایا، بهشت و آنچه مرا به آن نزدیک می‌کند از قول و عمل، از تو خواهانم، و از دوزخ، و آنچه به آن نزدیک می‌کند، از قول و عمل، به تو پناه می‌برم. و از تو خواهانم آنچه برایم سرنوشت کرده‌ای، همه آن را را خیر بگردان».

«اللهم احفظني بالإسلام قائما، واحفظني بالإسلام قاعدا، واحفظني بالإسلام راقدا، ولا تشمت بي عدوا حاسدا، واللهم إني أسألك من كل خير خزائنه بيدك، وأعوذ بك من كل شر خزائنه بيدك»[[52]](#footnote-52).

«خدایا! مرا مسلمانی، ایستاده و نشسته و خوابیده نگهدار، و دشمنی و حسد کننده‌ای را بر من خوشحال مگردان، خدایا، هر خوبی را که گنجینه آن به دست توست، از تو مسئلت دارم، و از هر شری که گنجینه‌اش به دست توست، به تو پناه می‌برم».

«اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَمَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَّتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لا يَرْحَمُنَا»[[53]](#footnote-53).

«خدایا! از ترس خود به ما ارزانی بدار تا مانع ما از ارتکاب گناه باشد، و از طاعت خود به ما عطا فرما تا ما را به بهشت برساند، و یقین به ما ارزانی دار تا مصیبت‌های دنیا برایمان آسان گردد، و گوش وچشم‌هایمان، و سایر قوای بدنی مان را تا زنده‌ایم از ما بگیر، و آن را نکاه، و ما را صاحب این نعمت‌ها (گوش، و چشم، و سایر قوای بدن) بگردان، (نه اینکه قبل از مردن از بین برود)، و انتقام ما را از ستمگران بگیر، و بر دشمنان نصرت ده، و مصیبت ما را در دین ما قرار نده، و دنیا را مهم‌ترین قصد و اراده ما قرار مده، و دنیا را منت‌های علم و دانش ما قرار مده، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان».

«اللَّهُمَّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِى مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِى، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»[[54]](#footnote-54).

«خدایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا بیامرز، به خاطر فضل وکرم خودت، و به من رحم فرما. همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی».

«اللهم إنا نسألك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك والسلامة من كل إثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار »[[55]](#footnote-55).

«خدایا، آنچه که موجب رحمتت می‌شود، و به مغفرتت کمک می‌کند، و سلامتی از هر گناه، و غنیمت از هر خیر، و فیروزی بهشت، و نجات از دوزخ را، از تو خواهانم».

«اللهم اجعل أوسع رزقك علي عند كبر سني وانقطاع عمري»[[56]](#footnote-56).

«خدایا، فراخی روزیت را در هنگام پیریم، و از دنیا رفتنم قرار ده».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لا أَعْلَمُ»[[57]](#footnote-57).

«خدایا، من از اینکه دانسته به تو شرک ورزم، به تو پناه می‌برم، و از آنچه نمی‌دانم استغفار می‌کنم».

«اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا طَيِّبًا وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً»[[58]](#footnote-58).

«خدایا، علمی سودمند، و روزی حلال، و عملی مقبول از تو خواهانم».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ وَخَيْرَ الدُّعَاءِ وَخَيْرَ النَّجَاحِ وَخَيْرَ الْعَمَلِ وَخَيْرَ الثَّوَابِ وَخَيْرَ الْحَيَاةِ وَخَيْرَ الْمَمَاتِ وَثَبِّتْنِي وَثَقِّلْ مَوَازِينِي وَأَحِقَّ إِيمَانِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَتَقَبَّلْ صَلاتِي وَاغْفِرْ خَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَجَوَامِعَهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ وَمَغْفِرَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْمَنْزِلَ الصَّالِحَ مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَلاصًا مِنَ النَّارِ سَالِمًا، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي نَفْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي رُوحِي وَفِي خُلُقِي وَفِي خَلِيقَتِي وَأَهْلِي وَفِي مَحْيَايَ وَفِي مَمَاتِي، اللَّهُمَّ وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ»[[59]](#footnote-59).

«خدایا، بهترین مسئلت، و بهترین دعا، از تو خواهانم، و بهترین پیروزی، و بهترین عمل، و بهترین پاداش، و بهترین زندگی، و بهترین مُردنی از تو خواهانم، مرا پایدار گردان، و ترازوی اعمال نیکم را سنگین گردان، ایمانم را به یقین برسان، و درجاتم را بلند، و نمازم را قبول فرما، و گناهم را ببخش، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، خدایا، فاتحه و خاتمه خیرها، و جامع آن، و ظاهر و باطن آن، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، بهترین چیزی که بر آن می‌آیم، و انجام می‌دهم، وبهترین آشکار و درون، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، از تو خواهانم تا ذکرم را بلند گردانی، و گناهم را بکاهی، و امورم را اصلاح کنی، و قلبم را پاک گردانی، و شرم گاهم را محفوظ بداری، و قلبم را نورانی کنی، و گناهم را ببخشی، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا! از تو می‌خواهم که در نفس، گوش، چشم، روح، خلقت، اخلاق، اهل، زندگی، مردن، کارم، برکت دهی، و نیکی‌هایم را مقبول گردانی، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین».

«اللَّهُمَّ مَتِّعْنِى بِسَمْعِى وَبَصَرِى وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّى وَانْصُرْنِى عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِى وَخُذْ مِنْهُ بِثَأْرِى»[[60]](#footnote-60).

«خدایا، در گوش، چشم مرا خوش بگذران، و وارث من قرار ده، و مرا بر کسی که به من ستم کرد نصرت ده، و انتقام مرا از او بگیر».

«اللهم إني أسألك عيشة نقية وميتة سوية ومردا غير مخز ولا فاضح»[[61]](#footnote-61).

«خدایا! زندگی پاک، و مردنی خوب و بازگشتنی بدون خواری و رسوائی، از تو خواهانم».

اللهم صلی وسلم علی محمد وعلی آله وصحبه أجمعين.

1. - مسلم. [↑](#footnote-ref-1)
2. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مسلم. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مسلم با الفاظ مقارب. [↑](#footnote-ref-4)
5. - مسلم. [↑](#footnote-ref-5)
6. - أبوداود. [↑](#footnote-ref-6)
7. - نسک: منسک، راه دين و روش عبادت، (فرهنگ بزرگ جامع نوين). [↑](#footnote-ref-7)
8. - هدی در زبان فارسی شکرانه گويند، آن حيوانی که در صحرای منی ذبح می‌شود. [↑](#footnote-ref-8)
9. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-9)
10. - تنعيم: در حال حاضر آن را مسجد عايشهل گويند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-11)
12. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-12)
13. - ابن السنی وصححه الآلبانی. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مسلم. [↑](#footnote-ref-14)
15. - أبوداود وصححه الآلبانی. [↑](#footnote-ref-15)
16. - اضطباع: یعنی وسط رادء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. رداء همان احرامی است که حاج بر بدن می‌پوشد. [↑](#footnote-ref-16)
17. - استلام: دست کشيدن به چيزی، استلام حجر: دست ماليدن به حجر الأسود در ضمن مناسک حج. (فرهنگ فارسی عميد). [↑](#footnote-ref-17)
18. - بخاری. [↑](#footnote-ref-18)
19. - [موقوف بر ابن عمر، رواه البيهقي5/79، وابن حجر: التلخيص الحبير 2/247، با سند صحيح]، [↑](#footnote-ref-19)
20. - منبع سابق. [↑](#footnote-ref-20)
21. - شوط: هر بار که شخص دور کعبه طواف کند (فرهنگ فارسی عميد).

 همچنين هر بار رفتن از کوه صفا به کوه مروه يک شوط، و از کوه مروه و به کوه صفا يک شوط (مترجم). [↑](#footnote-ref-21)
22. - الرمل: یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها (مترجم(. [↑](#footnote-ref-22)
23. - الترمذي، وحسنه الألباني في صحيح الترمذي 3/184. [↑](#footnote-ref-23)
24. - أبوداود والترمذی. [↑](#footnote-ref-24)
25. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-25)
26. - مسلم. [↑](#footnote-ref-26)
27. - مسلم وغیره. [↑](#footnote-ref-27)
28. - روايت و ترجمۀ آن گذشت. [↑](#footnote-ref-28)
29. - رواه البخاری ومسلم. [↑](#footnote-ref-29)
30. - البخاری. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مسلم. [↑](#footnote-ref-31)
32. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-32)
33. - النسائی، وابن ماجه، وأحمد والحاکم، وصححه الألبانی. [↑](#footnote-ref-33)
34. - مسلم. [↑](#footnote-ref-34)
35. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-35)
36. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-36)
37. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-37)
38. - مسلم. [↑](#footnote-ref-38)
39. - مسلم. [↑](#footnote-ref-39)
40. - مسلم. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مسلم. [↑](#footnote-ref-41)
42. - أوله في البخاری ومسلم من دعاء النبیص لأنس، وآخره أخرجه البخاری في الأدب الـمفرد، والترمذي. [↑](#footnote-ref-42)
43. - البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-43)
44. - أبو داود وأحمد وحسنه الألبانی وغيره. [↑](#footnote-ref-44)
45. - أحمد والحاکم، وحسنه ابن حجر، وصححه الألباني. [↑](#footnote-ref-45)
46. - مسلم. [↑](#footnote-ref-46)
47. - أبوداود والنسائي والترمذي، وصححه الألباني. [↑](#footnote-ref-47)
48. - الترمذي وابن حبان والحاکم والطبراني. [↑](#footnote-ref-48)
49. - الترمذی. [↑](#footnote-ref-49)
50. - أحمد والترمذی والحاکم. [↑](#footnote-ref-50)
51. - ابن ماجه وأحمد والحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-51)
52. - الحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-52)
53. - الترمذي، والحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-53)
54. - البخاری ومسلم. [↑](#footnote-ref-54)
55. - الحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-55)
56. - الحاکم وصححه الألباني. [↑](#footnote-ref-56)
57. - أحمد وصححه الألباني. [↑](#footnote-ref-57)
58. - ابن ماجه، وصححه الألباني. [↑](#footnote-ref-58)
59. - الحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-59)
60. - الترمذي، والحاکم وصححه ووافقه الذهبي. [↑](#footnote-ref-60)
61. - البزار في الزوائد، والطبراني. [↑](#footnote-ref-61)